

## تصمیمات دادگاهها

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه در مورد سقوط دعوی بواسطه گذشتن مدت اعتراض حکم باصل دعوی داده

ماده ۱۸ قانون ثبت

بتصور آنکه تحقیق محلی تحصیل دلیل است باین تقاضا ترتیب اثر نداده و چون تقاضی مزبور در جریان استینافی نیز تعقیب و بنظر محکمه ممکن التاثر در دعوی اقامه شده میباشد و لذا طبق ماده ۱۱۸ قانون آزمایش محکمه قرار تحقیقات محلی را راجع بمشارالیه صادر... شعبه (۴) دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۱۹۷ بتاریخ ۶/۹/۱۸ چنین رأی داده است: (چون دادگاه استان باستناد اینکه مدت اعتراض پژوهش خواهان بر ثبت یکی از مستأنف علیهما گذشته و حق آن ساقط گردیده حکم نخستین را استوار کرده است در صورتیکه نتیجه دلیل مذکور قرار اسقاط دعوی خواهان بوده نه حکم ببطال آن چه با سقوط دعوی بواسطه انقضاء مدت اعتراض رسیدگی دادگاه و حکم باصل دعوی موقع نخواهد داشت بنابراین حکم مورد شکایت از این حیث معلول است و بموجب ماده ۳۴۰ اصول محاکمات اصلاحی شکسته میشود...)

دو نفر بخواسته چهار شعیر از آب و ملک قریه ای در دادگاه شهرستان بر دو نفر دیگر اقامه دعوی کرده و محکوم ببطالان دعوی میشوند. بر اثر پژوهش خواهی محکوم دادگاه استان چنین رأی میدهد (نظر به تصدیقی که از اداره ثبت اسناد... از طرف مستأنف علیهما در جریان استینافی تقدیم شده مفاداً دلالت دارد بآنکه یکی از مستأنف علیهما تقاضای ثبت شش شعیر ملک مزبور را نموده و در مدت مقرر قانونی از طرف مستأنفان اعتراض شده و از محکمه هم تصدیق گرفته و بان اداره تسلیم نموده اند و چون وکیل مستأنفان هم دفاع موجهی نکرده بنابراین مدت اعتراض مستأنفان منقضی و حق مشارالیهما راجع بمستأنف علیه نامبرده بر فرض آنکه دارای حقی بوده اند ساقط گردیده حکم مستأنف عنه نسبت باین قسمت نتیجه تأیید میگردد و راجع بمستأنف علیه دیگر نظر باینکه مستأنفان در مرحله بدوی از جمله دلایل اثبات ادعای خود را اطلاعات مطمئن محلی قرار داده و تقاضای تحقیق محلی نموده اند محکمه ابتدائی

### رأی دیوان کشور بر شکستن

در مورد شکایت از ثبت ملک دیگری که دادگاه قرار اناطه داده

ماده ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۴ قانون ثبت ماده ۱۷ قانون بیفر

قابل تعقیب است که تقاضای ثبت موجب تقویت حقی از متصرف و مالک شده باشد در این مورد که حکم بوقفیت ملک و بیحقی متصرف داده شده حکم ببنهکاری تقاضای ثبت برخلاف منظور قانون و مستفاد از قسمت اخیر ماده ۱۰۸ و ماده ۱۱۴ قانون ثبت بوده حکم بدوی را گسیخته و تعقیب و تعیین بیفر متهم را منوط باحراز حق مالکیت شاکیه در دادگاه حقوق دانسته و قرار اناطه

کسی با تهاجم در خواست ثبت ملک دیگری بمنوان و قفیت که مورد اعتراض واقع نشده تحت تعقیب واقع و دادگاه جنحه متهم را بدو ماه حبس تأدیبی محکوم کرده و دادگاه استان پس از رسیدگی باستناد اینکه ( راجع بدعوی خواهان خصوصی حکم به بیحقی صادر شده و نیز باستناد اینکه تقاضای ثبت ملک از طرف غیر متصرف در صورتی بزه محسوب و مرتکب

صادر کرده است) - دادستان از حکم دادگاه استان فرجام خواسته شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۳۰۳۸ بتاريخ ۱۸/۱۲/۱۶ چنین رأی داده است:

(در این مورد که بر حسب شکایت شاکی خصوصی متهم به نقضای ثبت ملک متصرفی غیر و طبق ماده ۱۰۹ و مواد مربوط از قانون ثبت املاک مورد تعقیب واقع شده و بر حسب مقررات مزبور رسیدگی بحق مالکیت در دادگاه حقوقی غیر ممکن و میسایست در دادگاه کیفری یا موردیکه از میبانی تقصیر یا برائت متهم محسوب است رسیدگی شود

اناطه امر کیفری با حراز حق مالکیت شاکی در دادگاه حقوقی بیوجه است زیرا ماده ۱۷ آئین دادرسی کیفری نظریه واردی است که طرح دعوای حق مالکیت در دادگاه حقوقی دور رسیدگی بان مانع قانونی نداشته باشد و عبارت آخری دعوی در آن دادگاه قابل استماع باشد و در این قبیل موارد بطوریکه اشعار شد طبق مقررات قانون ثبت دعوی مالکیت در دادگاه حقوقی غیر قابل رسیدگی است بنابراین این قرار فرجام خواسته مخالف اصول و قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری با اتفاق آراء شکسته میشود...)

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

۱- در موردیکه دادگاه جنحه بیزه جنائی رسیدگی کرده

۲- در موردیکه دادگاه استان با پژوهش تبعی خواستن دادستان استان حکم را قطعی دانسته

ماده ۱۶۶ قانون کیفر ماده ۳۵۱ آئین دادرسی کیفری

حکم پژوهش خواسته که حکم برائت متهم از جرم مزبور است اشکالی ندارد و استوار میگردد دادستان استان فرجام خواسته شعبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۲۷۸۵ بتاريخ ۱۴/۱۱/۱۸ چنین رأی داده است:

(اعتراض فرجام خواه بر حکم فرجام خواسته خلاصه مبني بر جنائی بودن عمل منسب بمتهم و شمول درخواست پژوهش دادستان شهرستان نسبت بحکم بدوی در قسمت رأی دادگاه جنحه راجع باهراد جرح) نتیجه وارد بنظر میآید زیرا مسلم است ملاک در صلاحیت دادگاه جزائی از حیث تطبیق با عنوان جنحه یا جنایت یا خلاف و تشخیص مرجع صالح انطبق واقع عمل انتسابی است با مواد قانونی مربوط اگر چه مأمور افامه کننده دعوی جزائی مثلاً (دادستان) عمداً با اشتباهاً عمل را با عنوان ماده غیر از آنچه واقعا قابل انطباق است تطبیق نماید و در این مورد عمل نسبت داده شده بمتهم از طرف جانشین بازرس در اثر بررسی عبارتست از اینکه (بقصد ارتکاب سرقت وارد محل بنگاه مالیات صدی سه شده و ضمناً موقع اشتغال مأمور بکار مربوط بینگاه جرحی با او وارد نموده و پس از داد و فریاد مأمور و مقاومت او بالاخره متهم مقصود اصلی خود را انجام نداده) و چنین عملی قطع نظر از تمام ثبوت و اثبات از حیث ایراد جرح

کسی با اتهام اینکه بقصد سرقت بیاسگاه مالیات صدی سه رفته و بمتصدی آنجسا جرحی وارد نموده و فرار کرده مورد تعقیب داد سرای شهرستان واقع شده و دادستان با استناد مواد ۲۲۹ و ۱۷۳ قانون کیفر ادعانامه بدادگاه جنحه تقدیم داشته و دادگاه شروع بسرقت را ثابت ندانسته و متهم را از جهت جرح طبق قسمت اول ماده ۱۷۳ بحسب تأدیبی محکوم کرده است - دادستان شهرستان پژوهش خواسته و دادگاه استان چنین رأی میدهد (اولا ایراد دادیار استان به صلاحیت دادگاه جنحه باینکه چون متهم مأمور دولتی را در حین انجام وظیفه مجروح کرده قضیه از صلاحیت دادگاه جنائست نظر باینکه پژوهش دادستان شهرستان راجع بتبرئه متهم از جرم شروع بسرقت است و نسبت بانتهام متهم بایراد ضرب بمأمور دولتی پژوهش از طرف متهم و دادستان خواسته نشده که ایراد صلاحیت دادگاه جنحه در جلسه رسیدگی استینافی در مورد اتهام مزبور موردی داشته باشد و حکم از این حیث قطعی شده است بنابراین ایراد مزبور بیمورد تشخیص وارد میشود و تا بدیاً چون دلیلی که مثبت ارتکاب متهم در شروع بسرقت باشد در پرونده کار ملاحظه نمیشود و مجرور در باره بیاسگاه مأمورین عوارض بر تحقق ارتکاب او بکنانه مزبور کفایت نمیکند

بشروع بسرقت رانمی‌توان دلیل انحصار موضوع درخواست و همان حکم تبرئه قرارداد چه با فرض ورود اعتراض پژوهش خواه در این قسمت بجزء دیگر از حکم هم از جهت لزوم رعایت تعدد بزه ناچار سرایت می‌کند و ظاهراً نظر پژوهش خواه بهمین معنی بوده و در خاتمه دادخواست نامه خود گسیختن حکم را بطور مطلق خواسته به علاوه اظهار عقیده نماینده دادسرای استان نتیجه بر لزوم ابطال حکم بدوی و احاله قضیه بدادگاه جنائی پژوهش تبعی نسبت بحکم بدوی محسوب میشود که طبق ماده ۳۵۱ آئین دادرسی کیفری پذیرفته خواهد بود و کلیه آثار پژوهش خواستن دادستان بر آن مترتب میگردد نظر بجهت اشعاری دادگاه استان مکلف بوده حکم بدوی را بلا اثر کرده رسیدگی را به دادگاه صالح احاله نماید و استوار نمودن آن مخالف اصول بوده است لذا حکم فرجام خواسته بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری شکسته میشود.....)

بمأمور دولت حین انجام کار با ماده ۱۶۶ قانون کیفر عمومی انطباق دارد و از جهت شروع بسرقت قابل تطبیق با ماده ۲۰ عطف بماده ۲۲۳ قانون مزبور است و دادستان شهرستان هم بالاخره در ادعا نامه و تقاضا نامه خود خطاب بدادگاه جنحه متهم را مرتکب ایراد جرح و شروع سرقت تشخیص داده و با ملاحظه چگونگی و خصوصیات عمل انتسابی که از این جهت هم دادستان نامبرده نظر مخالفی با نظر جانشین باز پرس اظهار نکرده ناچار عمل مورد ادعا با همان مواد مذکور تطبیق میشود بنا بر این بزهدیای موضوع ادعا بر هر تقدیر جنایت خواهد بود هر چند ممکن است دلایل ادعای نسبت بهر دو قسمت یا یکی در نظر کسی کافی نباشد ولی دادگاه صالح اصولاً دادگاه جنائی بوده درخواست پژوهش دادستان شهرستان نسبت بحکم بدوی ظاهراً قابل حمل بر پژوهش خواهی نسبت بهر دو جزء از حکم است و استناد دادستان ضمناً بمورد نداشتن برائت از اتهام

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

راجع باینکه دادگاه عملی را که شروع کلاهبرداری بوده نفس کلاهبرداری دانسته

ماده ۲۳۸ قانون کیفر

روز حبس محکوم میکند این حکم در دادگاه استان استوار میشود - محکوم علیه فرجام خواسته و شعبه (۲) دیوان کشور در حکم شماره ۳۲۸۹ بتاریخ ۱۸/۱۲/۲۷ چنین رای داده است: « دو عملی که دادگاه صادر کننده حکم محرز دانسته با کیفیت تشخیص شده شروع بکلاهبرداری محسوب میشود نه نفس کلاهبرداری و چون دادگاه برای عمل مزبور کیفر کلاهبرداری را با رعایت تخفیف در باره متهم معین کرده در صورتیکه اگر عمل را با عنوان شروع تطبیق میکرد از لحاظ کمتر بودن کیفر شروع بطوریکه در ماده استنادی مقرر است ممکن است میزان کیفر متهم را از اندازه معین در حکم تنزیل داده باشد و از اینجهت حکم فرجام خواسته مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته میشود.»

کسی بدادسرای شهرستان شکایت مینماید که متهم بموجب دو سند رسمی مبلغی از شاکی طلبکار بوده و بنا بقرارداد بعدی آنها شاکی باغ خود را به بیع شرط به متهم میدهد که متهم دو سند ذمه‌ای را باطل کند و متهم حاضر نمیشود بعداً نیز قرار میگذازد که شاکی خانه‌اش را بمتهم بفروشد و در مقابل متهم دو سند مزبور و سند بیع شرطی را باطل کند و با آنکه شاکی خانه‌اش را باو فروخته متهم حاضر با بطلان اسناد مزبور نیست و فقط خود صاحب دفتر دو سند ذمه‌ای را ابطال کرده ولی متهم برای ابطال سند بیع شرطی حاضر نمیشود. دادستان ادعای نامۀ در حدود ماده ۲۳۸ قانون کیفر تنظیم و بدادگاه جنحه تقدیم میکند. دادگاه با رعایت تعدد و تخفیف متهم را برای بزه اول به ۶ ماه و برای بزه دوم به ششماه و هشت

## رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه شکستن دست را از لحاظ بهبودی یافتن جنائی ندانسته و مشمول مرور زمان جنحه شناخته

ماده ۵۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ قانون کیفر

بهبودی دست مجنی علیه و احتمال باز گشت آن بحالت اولیه میباشد عنوان شکستن دست و نقصان عضو و جنائی بودن بر عمل متهمین صادق نبوده و بلحاظ اینکه عمل آنان مشمول قسمت اول ماده ۱۷۳ قانون نامبرده و از نوع جنحه است و زاید بر مدت سه سال قضیه بلا تعقیب مانده بعلت حصول مرور زمان بزه انتسابی آنان قابل تعقیب کیفری نیست - در صورتیکه طبق ماده ۱۷۲ آن قانون شکستن عضوی از اعضاء جنایت شناخته شده و بمجرد ارتکاب چنین عملی بزه مذکور واقع میگردد بهبودی و التیام بعدی موجب عدم صدق عنوان مزبور (شکستن عضو) و جنائی محسوب نشدن آن نخواهد بود و بهر تقدیر عمل انتسابی بمتهمین بر فرض تحقق جنایت محسوب و موقوف ماندن تعقیب در مدت سه سال موجب منع تعقیب آنها نخواهد بود بنابراین قرار فرجام خواسته مخالف ماده ۱۷۲ و ۵۱ قانون نامبرده بشمار میرود و باستناد ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری بانفاق آراء شکسته میشود.....)

کسی بانهام شکستن دست کسی باستناد ماده ۱۷۲ مورد تعقیب واقع و دادگاه جنائی باستناد گواهی پزشک و شاکي خصوصی به بهبودی کامل دست امر را جنائی ندانسته و مشمول ماده ۱۷۳ دانسته و چون از تاریخ آخرین تعقیب ۴ سال گذشته بوده مورد را مشمول مرور زمان تشخیص و قرار ترک تعقیب داده است - دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۳۰۳۹ بقاریخ ۱۸/۱۲/۲۲ چنین رأی داده است:

(اعتراض دادرسی استان بر قرار مورد درخواست رسیدگی فرجامی نتیجه آنکه (عمل موضوع اتهام مشمول ماده ۱۷۲ قانون کیفر عمومی و از درجه جنایت بوده و قرار دادگاه مبنی بر جنحه بودن آن از لحاظ تطبیق با ماده ۱۷۳ قانون نامبرده و بالنتیجه صدور قرار منع تعقیب بعلت حصول مرور زمان مخالف قانون بشمار میرود) وارد است زیرا مستند دادگاه جنائی در اصدار قرار مورد درخواست بالنتیجه این است که چون گواهی پزشک و اظهار شاکي خصوصی و غیره حاکی از

## تصمیم دیوان کشور بر صلاحیت دادگاه همگانی

در مورد اختلاف میان بازپرس دادگستری و بازپرس دیوان حرب

مواد ۵۶ و ۸۵ قانون دادرسی نظامی و ماده ۱۹۲ آئین دادرسی کیفری

صادر میکنند - پرونده برای حل اختلاف بدیوان کشور فرستاده میشود - شعبه (۲) دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۹۳۰ به تاریخ ۲۸/۱۱/۱۸ چنین رأی داده است:

(بر حسب حکایت پرونده و شرحی که در قرار بازپرس دیوان حرب ذکر شده اتهام قبل از دخول بخدمت بوده و قعلا هم مدت خدمتش منقضی شده و بکفرد عادی بیش نیست بنابراین صلاحیت رسیدگی بانهام او با دادگاههای عمومی است)

کسی بانهام سرقت و قاچاق اسلحه مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع شده و بازپرس بلحاظ اینکه متهم سرباز و از خدمت فراد کرده طبق ماده ۵۵ قانون دادرسی نظامی و ماده ۱۹۱ آئین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت با موافقت دادستان داده - بازپرس دیوان حرب نیز از نظر اینکه وقوع بزه پیش از دخول بخدمت سربازی بوده و حالیه هم متهم جزء سربازان احتیاط است طبق مواد ۵۶ و ۸۵ قانون دادرسی نظامی و ماده ۱۹۲ آئین دادرسی کیفری قرار عدم صلاحیت دار

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه بیرون بردن اشخاص بی گذرنامه را از مرز کلاهداری تشخیص داده

ماده ۲۳۸ قانون کیفر و ماده ۲۶ قانون تذکره

« از ملاحظه دادنامه معلوم میشود که دادگاه عمل متهم را کلاهداری فرض نموده و با ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی تطبیق کرده و او را به ۵ ماه حبس تادیبی محکوم ساخته است در صورتیکه عمل متهم (سپردن مسافرین بدیگری که آنها را از راه غیر مجاز از مرز ایران خارج نماید) همان معاونت در بیرون بردن آنها بدون تذکره از راه غیر مجاز میباشد و چون این اندازه تخلف موثر است حکم فرجام خواسته با اتفاق آراء بر طبق ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری شکسته شده.»

کسی بانها مخرج کردن چند نفر مسافر از مرز ایران و استناد از آنها مورد تعقیب واقع شده و دادگاه جنحه برای کلاهداری او را بحبس تادیبی و برای عبور دادن از مرز بطور غیر مجاز نیز بحبس تادیبی محکوم میکند در اثر پژوهش خواهی متهم حکم جنحه در دادگاه استان گسیخته شده و بر طبق ماده ۲۳۸ قانون کیفر بحبس تادیبی محکوم میگردد - متهم فرجام خواسته و شعبه (۵) دیوان کشور در حکم شماره ۲۲۵۹ بتاریخ ۱۸/۱۲/۲۲ چنین رای داده است:

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه نسبت بسن متهم یا پیشینه محکومیت او باز جوئی کامل نکرده

ماده ۲۵ اصلاحی قانون کیفر

محکومیت بحبس تادیبی قید شده ولی در صورتیکه متهم فعلاً در سن بیش از ۱۸ سال باشد مسلماً محکومیت های او موقعی بوده که متهم بهیچوجه سال نرسیده بوده است و ظاهر اینست که دادگاه یا در تشخیص سن فعلی متهم باز جوئی کامل ننموده و یا در تشخیص سوابق متهم چون این اندازه نقص در باز جوئی در باب حساب سوابق متهم از جهت تکرار جرم موثر میباشد حکم فرجام خواسته بر طبق ماده ۴۳۰ آئین دادرسی با اتفاق آراء شکسته شده.»

کسی بیزه سه فقره سرقت و داشتن پیشینه محکومیت موثر در دادگاه جنحه برای هر کدام از دزدی ها بچهار سال حبس مجرد محکوم میشود - بر اثر پژوهش خواهی محکوم علیه دادگاه استان حکم را گسیخته و با رعایت تخفیف برای هر یک از دزدی ها سه سال حبس مجرد محکوم میگردد - شعبه ۵ دیوان کشور در حکم شماره ۵۰۹ بتاریخ ۱۹/۲/۲۲ چنین رای داده است:

« بطوریکه از حکم فرجام خواسته معلوم میشود سن متهم در موقع ارتکاب اخیر تازه متجاوز از ۱۸ سال بوده است با اینحال گرچه در سبب جزائی متهم دو فقره

## رویه دیوان کشور بر شکستن

۱- در مورد بیکه دادگاه بدون ذکر علل مخففه قائل بتخفیف شده

۲- راجع باینکه دادگاه در بزه جنائی برای تخفیف بماده ۴۵ قانون کیفر اسناد کرده

۳- در مورد بیکه دادگاه با رعایت تخفیف کیفر را از حداقل پائین نیاورده

مواد ۴۵ و ۴۴ قانون کیفر

چند نفر بیزه کشتن کسی مورد تعقیب واقع شده | و ادعا نامه طبق ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر بدیوان

جنائی تقدیم میگردید و آن نامبرده پس از رسیدگی اقدام متهمین را بکشتن مجنی علیه بدون اینکه تشخیص شود اقدام کدام یک موجب قتل بوده مجرز دانسته و با تطبیق عمل آنها با ماده ۱۷۵ و ماده ۴۵ قانون کیفر هر یک را بسه سال حبس با اعمال شاقه محکوم میکند متهمین از این حکم فرجام خواسته و شعبه دیوان کشور در دادنامه شماره ۲۹۴۷ بتاریخ ۱۸/۱۱/۲۱ چنین رای داده است.

«نظر باینکه اولاً در حکم فرجام خواسته تصریح نشده که در نظر دادگاه عمل متهمان با کدام یک از دو ماده ۱۷۵ اصلی و ۱۷۵ مکرر منطبق بوده است و ثانیاً دادگاه باینکه علل مخففه را ذکر ننموده معذک قائل

بتخفیف شده و مجازات را تخفیف داده است و ثالثاً دادگاه در تخفیف استناد بماده ۴۵ نموده در صورتیکه اگر عمل را با ماده ۱۷۵ مکرر تطبیق نموده مقتضی بوده که استناد بماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بشود و رابعاً در صورتیکه در نظر دادگاه عمل متهمان با ماده ۱۷۵ اصلی منطبق بوده تعیین حبس با اعمال شاقه مورد نداشته است و خامساً دادگاه با اینکه رعایت تخفیف نموده کیفر متهمان را از حد اقل تنزیل نداده است در صورتیکه این اقدام ضروری بوده است بنا بر مراتب فوق حکم فرجام خواسته قانونی محسوب نبوده و به اتفاق آراء بر طبق ماده ۴۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری شکسته شده.»

### رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه استان حکم محکومیت متهم را که با حضور و کیل دادگاه نخستین او در دادگاه استان

صادر شده حضوری دانسته

ماده ۳۵۲ و ۳۵۵ قانون آئین دادرسی کیفری

وارد است زیرا بطوریکه پرونده کار حاکمیت و کالت و کیل نامبرده از طرف متهم تنها اظهار اوست در دادگاه جنحه که طبق صورت در موقع دادرسی پس از خواندن ادعا نامه و اعلام بزه از طرف دادگاه بشخص متهم و تکلیف دفاع باو اظهار داشته چون خودم از قانون اطلاعی ندارم و کیل را که در دادگاه حاضر است برای دفاع معرفی میکنم و و کیل مزبور نیز اظهار داشته بر حسب و کالتی که متهم در دادگاه باو داده حاضر است از طرف او دفاع نماید و باین چگونگی ظاهراً و کالت و کیل نامبرده برای دادرسی در مرحله بدوی بوده و سرایت دادن چنین و کالتی بحق دادرسی در مرحله پژوهشی بیوجه و بالتیجه وا زدن دادخواست اعتراض بااستناد اینکه حکم مورد اعتراض بر اثر رسیدگی با حضور و کیل متهم صادر شده بوده مخالف قانون محسوب و بموجب ماده ۴۳۰ آئین دادرسی کیفری باتفاق آراء شکسته می شود....»

یک نفر راننده در دادگاه شهرستان از اتهام زیر گرفتن کسی در اثر بی احتیاطی تبرئه شده و در مرحله پژوهشی بحکم غیابی محکوم میشود و چون بر حکم اعتراض میکنند دادگاه با استناد آنکه و کیل مرحله نخستین او در مرحله پژوهش نیز حاضر بوده حکم را حضوری دانسته و دادخواست اعتراض را وازده است - محکوم علیه از قرار نامبرده فرجام خواسته دیوان کشور شعبه (۲) در حکم شماره ۳۰۵۳ بتاریخ ۱۸/۱۲/۲۶ چنین رای داده است:

«اعتراض فرجام خواه نسبت بقرار دادگاه استان مبنی بر وازدن دادخواست او بخلایفه آنکه ( دادگاه دادخواست اعتراض را با استناد اینکه حکم مورد اعتراض در نتیجه رسیدگی با حضور و کیل او صادر شده و غیابی محسوب نمیشده و ازده در صورتیکه و کیل نامبرده فقط در مرحله نخستین از طرف او و کالت داشته و برای مرحله پژوهشی و کیل او نبوده است تا حکمی که با حضور او صادر شده غیابی محسوب نشود) بالتیجه

## رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه اختلاس بدفعات بیش از پانصد ریال در حکم پانصد ریال شناخته شده

ماده ۱۵۲ قانون کیفر همگانی و جزء ۴ ماده واحد مصوب ۳۰۸

ها مضمول ماده ۱۵۲ قانون کیفر همگانی و مواد مصوب آذر ۳۰۶ خواهد بود و باید بر طبق مقررات آن مواد تعیین کیفر شود مگر آنچه را که جزء ۴ ماده واحد استنادی داد گاه که بمنزله يك حکم استثنائی از آن قاعده کلی میباشد شامل گردد و جزء مزبور فقط کیفر اختلاس هایی را که دفعه واقع شده و میزان آن کمتر از ۵۰۰ ریال باشد و یا بدفعات واقع ولی مجموع آن ۵۰۰ ریال یا کمتر است بر طبق آن ماده مقرر داشته و شامل چنین موردی که مجموع اختلاس ها بیش از پانصد ریال بوده نمیشود لذا بطوریکه از طرف دادستان دیوان کشور اعتراض شده حکم داد گاه در قسمت های مذکور از حیث کیفر معین شده مخالف محسوب میشود ۰۰»

کسی باتهام اختلاس بیش از ۵۰۰ ریال بدفعات مورد تعقیب واقع و دیوان کیفر او را طبق جزء ۴ ماده واحد بانفصال و پرداخت ۵ برابر بخزانه دولت محکوم کرده - شعبه ۲ دیوان کشور در حکم شماره ۲۶۴۰ بتاریخ ۱۸/۱۰/۲۷ چنین رای داده است :

« نسبت بچند فقره اتهام باختلاس و جوهی که میزان آن در مورد هریک از ۵۰۰ ریال متجاوز نبوده و نسبت باینقسمت بعنوان فرجام تبعی از طرف دادسرای دیوان کشور اعتراض و درخواست شکست حکم شده - نظر باینکه داد گاه برای هریک از آنها طبق جزء ۴ ماده واحد مصوب ابان ۳۰۸ کیفر معین نموده در صورتیکه جزء ۴ ماده مزبور شامل مورد نیست چه کلیه اختلاس

### تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه بااستناد خوانده مبنی بر تصرف مالکانه خود توجه نشده

ماده ۳۵ قانون مدنی

در مورد دعوی ثابت نمیکرد (حکم را استوار میکنند - بر اثر فرجام خواهی محکوم علیه شعبه (۱) دیوان کشور در حکم شماره ۴۷۱ بتاریخ ۲۱/۲/۱۹۲۱ چنین رای داده است : نظر باینکه استناد خواننده در دفاع از دعوی خواهان بر تصرف مالکانه خود بوده و مضافاً باینکه برای اثبات و یا تأیید تصرف بعنوان مالکیت استناد بگواهی مطلعین مانع قانونی ندارد اساساً اثبات دعوی در مقابل متصرف بر عهده خواهان است و بموجب ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف بعنوان مالکیت دلیل مالکیت است تاخلاف آن ثابت گردد لذا اعتراضات فرجام خواه وارد و حکم فرجام خواسته بموجب ماده ۵۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته میشود . )

کسی بموجب قبالة رسمی بر دیگری اقامه دعوی میکند که خواسته ملك ایتیمی اوست و خواننده بزور در آنجا نشسته و از دادگاه در خواست رفع ید خواننده را نموده خواننده دفاعاً رقبه را ملك متصرفی خود دانسته و پس از بازجوئی از مطلعین که بعضی گواهی بایتیمی بودن ملك و بعضی صرفاً خواننده را مالك معرفی و بعضی اقرار فروشنده را بشرکت خواننده گواهی داده اند داد گاه دلایل را کافی ندیده و بااستناد همان قبالة خواننده را محکوم بر رفع ید میکند - داد گاه استان نیز بعنوان اینکه (بزهش خواه میخواهد مالکیت خود را تنها با گواهی بمالکیت و اقرار ثابت نماید و ادعای انتقال ارثی هم نمیکند و مالکیت در غیر ارث جز با عقود و ایقاعات حاصل نمیشود آنها را با گواهان

## تصمیم دیوان کشور بر شکستن

واجع باینکه دادگاه (با آنکه در اثر درخواست طرفین برای مذاکرات اصلاحی قضیه مسکوت بوده)

قرار سقوط اعتراض صادر کرده

ماده ۱۸ قانون ثبت

نمیرسد چه برحسب صریح ماده مزبور تکلیف دادگاه با صادر قرار سقوط دعوی بتقاضی مستدعی ثبت در صورتی است که معترض پس از تقدیم دادخواست در مدت ۶۰ روز دعوی خود را تعقیب نکرده و مسکوت گذارده و در این مورد که طرفین در جلسه از دادگاه درخواست کرده اند که بواسطه مذاکرات صالح تا وصول نتیجه آن پرونده را از نوبت خارج نمایند و دادگاه نیز بر حسب تقاضای طرفین رسیدگی بقضیه را از نوبت خارج نموده نمیتوان گفت که قضیه از طرف معترض مسکوت و بلا تعقیب مانده بنابر این مورد مشمول ماده مزبور نبوده و استدلال دادگاه مخدوش و قرار فرجاخواسته بموجب ماده ۹ آئین دادرسی مدنی باتفاق آراء شکسته میشود. »

کسی در دادگاه بخش بر درخواست ثبت چند نفر اعتراض کرده و در جلسه مقرر و کلای طرفین اظهار داشته اند که چون مذاکرات اصلاحی در جریان است تا حصول نتیجه پرونده از نوبت خارج شود پس از مدتی و کیل معترض علیهم بعنوان اینکه معترض در مدت ۶۰ روز دعوی را تعقیب نکرده سقوط دعوی را خواسته . دادگاه نیز قرار سقوط دعوی اعتراض را صادر میکند این قرار در دادگاه شهرستان استوار میشود . محکوم علیه فرجام خواسته و شعبه (۳) دیوان کشور در حکم شماره ۴۷۵ بتاریخ ۱۹/۲/۱۸ چنین رأی داده است :  
« استناد دادگاه در اصدار قرار سقوط اعتراض بماده ۱۸ قانون ثبت در این مورد صحیح و موجه بنظر